

بررسی عوامل تعیین کننده سن ازدواج در بین زنان ۱۵-۳۵ ساله متأهل شهر مروست

راحله زارع مهرجردی / عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام‌نور، ایران
 قربان حسینی / کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی و کارشناس پژوهشی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور
 دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۰۴ - پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۰۸
 pnu.zaremehjardi@yahoo.com
 ghorban.hosseni@gmail.com

چکیده

ازدواج، اساس خانواده و از عوامل مؤثر در افزایش جمعیت و تغییرات ساخت سنی است. این تحقیق، با روش پیمایشی و تحلیلی، و با هدف بررسی عوامل تعیین کننده سن ازدواج زنان شهر مروست تدوین یافته است. یافته‌ها نشان می‌دهد سن ازدواج ۸۴ درصد پاسخگویان زیر ۲۵ سال می‌باشد. همچنین، ۸۲ درصد آنان خانه‌دار و ۶۲/۶ درصد تحصیلات دیپلم و کمتر دارند. حداکثر سن مناسب ازدواج، از نظر ۹۳/۳ درصد پاسخگویان ۲۹-۲۰ سال می‌باشد. بین تحصیلات و درآمد زنان و مردان، سن ازدواج شوهران، حداکثر سن مناسب ازدواج دختر، برخورداری از وسایل رفاهی و شهرنشینی، با سن ازدواج زنان، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. رابطه بین نگرش نسبت به ازدواج و سن ازدواج زنان، معنادار معکوس بود. زنان با خاستگاه شهری، شاغل، دارای ازدواج‌های غیرخویشاوندی و کسانی که به تنهایی تصمیم‌گیرنده ازدواج‌شان بودند، سن ازدواج بالاتری دارند. زنانی که مهم‌ترین شیوه کسب استقلال را، ازدواج و مهم‌ترین معیار انتخاب همسرشان را، داشتن اخلاق خوب و اصالت خانوادگی می‌دانستند، دارای پایین‌ترین سن ازدواج بودند. رابطه متغیر نگرش زنان نسبت به برابری جنسیتی، با سن ازدواج آنان معنادار نبود.

کلیدواژه‌ها: تعیین‌کننده‌های سن ازدواج، زنان جوان همسردار، مروست.

خانواده، هسته بنیادین اجتماعات بشری است که قدمتی به بلندای عمر انسان در زمین دارد (آستین افشان، ۱۳۸۷، ص ۴)؛ و تنها نظام اجتماعی است که رسماً در همه جوامع پذیرفته شده و توسعه یافته است (گود، ۱۳۵۲، ص ۲۵). خانواده، اصلی‌ترین و مهم‌ترین رکن تشکیل‌دهنده اجتماع است. برای داشتن جامعه‌ای بالنده، باید برای تعالی خانواده تلاش کرد. بنابراین، همه جهت‌گیری‌های مقنن، باید به سمت و سوی رشد این نهاد باشد (غیائی ثانی و موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷). ازدواج، به‌عنوان پایه‌گذار خانواده، که یکی از نهادهای اصلی جامعه است، به شمار می‌رود (آستین افشان، ۱۳۸۷، ص ۱). اساس خانواده را به‌عنوان قدیمی‌ترین نهاد در زندگی اجتماعی تشکیل می‌دهد (گیدنز، ۱۳۷۳، ص ۴۱۲-۴۱۳). ازدواج و تأسیس کانون زندگی مشترک خانوادگی، یکی از بهترین و مهم‌ترین رسوم اجتماعی انسان‌هاست که از فطرت و آفرینش ویژه آنان سرچشمه می‌گیرد. این نیاز، که به صورت فطری در انسان به ودیعت نهاده شده، اگر به موقع و به طور صحیح پاسخ داده شود، زمینه سلامت و بهداشت روانی انسان را فراهم می‌آورد. از این رو، در آیات و روایات، به اهمیت ازدواج و نیز زمان مناسب آن تصریح و تأکید شده است (نور: ۳۲؛ آل عمران: ۳۹؛ نحل: ۷۲؛ فرقان: ۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۲۲). از نظر قرآن، ازدواج مایه آرامش روح و روان آدمی است و خود از نشانه‌های رحمت و بزرگی خداوند است (روم: ۲۱).

ازدواج، یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی انسان است و از مسائل مهم آن، سن مناسب برای این امر مقدس است (غیائی ثانی و موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷). علی‌رغم شواهد در دسترس پیرامون تفاوت‌های قومی و منطقه‌ای موجود، در الگوهای تاریخی ازدواج و تشکیل خانواده در ایران (عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۴)، برای قرن‌های متمادی، نظام ارزش‌های اسلامی، به مثابه یک نیروی همگون‌ساز در سراسر جامعه ایران، ایفای نقش کرده و در تنظیم روابط و مناسبات ازدواج، معیار مهمی به‌شمار رفته است. شریعت اسلام، بر قداست نهاد خانواده و اهمیت تشکیل و تحکیم آن بسیار تأکید دارد. در مقابل، تجرد پس از سن تکلیف و نیز وقوع طلاق را، به‌رغم آنکه هیچ‌یک تحریم نشده، امری ناپسند می‌شمارد (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۹). تجرد و تأخیر در امر ازدواج، در بعضی روایات مردود شمرده شده، و تأکید شده است که هیچ چیز حتی فقر، نباید موجب تأخیر ازدواج شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۱۷؛ حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۰، ص ۴۵).

از دیدگاه جمعیت‌شناختی، ازدواج از عوامل بسیار مؤثر در ایجاد استعداد بالقوه افزایش جمعیت و منشأ تأثیرات فراوان در ساخت سنی است. هنگامی که ازدواج در سنین پایین صورت می‌گیرد، می‌توان حدس زد که میزان باروری و به دنبال آن، میزان رشد طبیعی جمعیت شتاب بیشتری خواهد گرفت و بعکس (سیدمیرزایی، ۱۳۸۱، ص ۷۸-۸۰). وضعیت ازدواج، عامل مهمی در تحولات جمعیت است که میزان مولید به طور اخص و میزان‌های مرگ‌ومیر و مهاجرت به‌طور اعم، تحت تأثیر آن هستند و سایر ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی، مثل آموزش و

پرورش، مشارکت در نیروی کار و ... نیز از آن تأثیر می‌پذیرند. از مهم‌ترین تغییرات اجتماعی اساسی، که در طول سه دهه گذشته در دنیا رخ داده، تحولات مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده بوده است. این تغییرات، شامل تحول در شکل و سن ازدواج، نوع خانواده، وضعیت زوجین، طلاق و عوامل تأثیرگذار بر آنها است. در بیشتر کشورهای دنیا، الگوی ازدواج، از شکل سنتی به مدرن تغییر کرده است. مشخصه ویژه این تحول، افزایش سن ازدواج و مجرد قطعی است. گرچه روند این تحول، در کشورهای غربی و توسعه‌یافته، سریع‌تر و میزان تغییرات زیادتر بوده، اما در غالب کشورهای در حال توسعه نیز این تحول مشاهده می‌شود (زیرگر، ۱۳۷۷).

پدیده ازدواج، تنها تحت تأثیر یک عامل نیست، بلکه مجموعه‌ای از عوامل هر یک به درجه‌ای در وقوع آن تأثیر دارند. میزان تأثیرگذاری آنها از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. جمعیت‌شناسان، بین تغییر سن ازدواج و تحولات اقتصادی و اجتماعی، نوعی همبستگی مشاهده می‌کنند. به‌عنوان مثال، در قرن نوزدهم زمانی که وسایل جلوگیری از بارداری، به تدریج در فرانسه شناخته می‌شدند، سن ازدواج به نحوی چشمگیر تنزل یافت (سگالن، ۱۳۸۰، ص ۱۳۸). امروزه تحولات ناشی از توسعه یافتگی جوامع موجب تغییرات عمده‌ای در نظام خانوادگی گردیده، گسترش تحصیلات در ابعاد مختلف و شاغل شدن زنان در عرصه‌های اجتماعی، می‌تواند از نمونه‌های بارز آن تلقی گردد. تأخیر سن ازدواج یا به فکر تشکیل خانواده نبودن، از جمله پیامدهای آن می‌باشد. بنابراین، سن ازدواج در هر جامعه‌ای، بر حسب شرایط محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاص آن جامعه تعیین می‌گردد. سن ازدواج، نه تنها در جوامع گوناگون متفاوت است، بلکه در جامعه‌ای واحد نیز در طول زمان، ثابت نمی‌ماند و طبق شرایط یاد شده، کم و زیاد می‌شود (رجبی، ۱۳۸۶). اگر تأهل و همسر داشتن، به‌عنوان یک ارزش و تجرد ضد ارزش تلقی شود، همان‌گونه که در روایات اهل بیت علیهم‌السلام آمده است، کمک زیادی به تغییر نگرش افراد نسبت به سن ازدواج می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۱۸-۲۲۰). از دیرباز در کشور ایران، ازدواج به‌عنوان یک سنت مورد تأکید بوده و از نظر مذهبی به آن اهمیت زیادی داده شده است. سن مناسب ازدواج، طبق توصیه اسلام، پس از رسیدن به سن تکلیف (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۹)، و در ایران، عموماً پایین بوده است و مردان و زنان مجرد از نظر اجتماعی تحت فشار بودند که زودتر ازدواج کنند (همان). بنابراین، می‌توان گفت: اسلام در الگوی مطلوب خود، پایین بودن سن ازدواج را اصل می‌داند. در عین حال، مشکلات ناشی از ازدواج‌های زودهنگام را نادیده نمی‌گیرد و برای رفع آنها، کوشش می‌نماید (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۰، ص ۴۴). در شرایط امروز جامعه، ازدواج مانند سایر مقوله‌های فرهنگی، دستخوش تغییر و تحول گردیده است (زینهاری، ۱۳۷۲). سن ازدواج در ایران، به دلیل تحولات عمیقی که در اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی صورت گرفته، مراحل انتقالی خود را طی می‌کند. مشخصات قبلی آن دستخوش دگرگونی شده است و با شیوه ازدواج در جوامع صنعتی مشابهت پیدا کرده است. بنابراین، میانگین سن ازدواج، همگام با تغییر ساختار خانواده، افزایش یافته است.

افزایش متوسط سن ازدواج، پدیده‌ای عمومی است که در بیشتر نقاط جهان، از جمله کشورهای آسیایی، در حال توسعه و ایران در دهه‌های اخیر اتفاق افتاده است (ترابی و همکاران، ۲۰۱۳؛ شجاعی، ۱۳۸۴). بر اساس یافته‌های مرکز آمار ایران، میانگین سن در اولین ازدواج، برای مردان از ۲۴/۱ در سال ۱۳۵۵ به ۲۷/۴ سال در سال ۱۳۹۵ رسید و برای زنان، از ۱۹/۷ به ۲۳/۰ سال طی این دوره رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵-۱۳۵۵).

جدول ۱. میانگین سن در اولین ازدواج بر حسب جنس در نقاط شهری و روستایی

سال	کل کشور		نقاط شهری		نقاط روستایی	
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
۱۳۵۵	۲۴/۱	۱۹/۷	۲۵/۱	۲۰/۲	۲۲/۷	۱۹/۱
۱۳۶۵	۲۳/۸	۱۹/۹	۲۴/۴	۲۰/۲	۲۲/۸	۱۹/۶
۱۳۷۵	۲۵/۶	۲۲/۴	۲۶/۲	۲۲/۵	۲۴/۵	۲۲/۳
۱۳۸۵	۲۶/۲	۲۳/۳	۲۶/۵	۲۳/۳	۲۵/۵	۲۳/۴
۱۳۹۰	۲۶/۷	۲۳/۴	۲۷/۱	۲۳/۶	۲۵/۸	۲۳/۰
۱۳۹۵	۲۷/۴	۲۳/۰	۲۷/۸	۲۳/۴	۲۶/۵	۲۲/۰

منبع: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵

در شرایط فعلی جامعه ایران و با توجه به بافت جمعیتی جوان آن، از جمله مسائلی که ذهن و روان افراد را به خود مشغول می‌کند، مشکلاتی است که بر اثر بالا رفتن سن ازدواج پدید می‌آید. تأخیر در ازدواج، بهداشت روانی خانواده و حیات سالم آن را در معرض خطر قرار می‌دهد و پیامدهای نامطلوبی را نیز برای جامعه دربر دارد (صدیق اورعی، ۱۳۷۴، ص ۶۵). سن نخستین ازدواج، رابطه مستقیم با باروری کل هر زن دارد و بر تعداد بچه‌های که یک زن در طول دوره باروری به دنیا می‌آورد، تأثیر می‌گذارد (کومار و دانابالان، ۲۰۰۶). بنابراین، بررسی مسئله ازدواج و تأخیر در سن ازدواج قابل تأمل و دقت می‌باشد؛ چرا که رشد اقتصادی، اجتماعی و... در هیچ جامعه‌ای، بدون شناخت دقیق تغییرات جمعیتی، تحقق نخواهد یافت. طرح این مباحث، موجب اهمیت این مسئله شد و محققان را بر آن داشت تا به بررسی این موضوع بپردازند. بنابراین، هدف این مقاله، بررسی تعیین‌کننده‌های سن ازدواج، در بین زنان جوان شهر مروست می‌باشد. این مقاله، همچنین درصدد است تا به سؤالات ذیل پاسخ دهد:

- آیا بین عوامل اقتصادی یعنی میزان درآمد زن، میزان درآمد شوهر، میزان برخورداری از وسایل رفاهی، با سن ازدواج زنان رابطه معناداری وجود دارد؟
- آیا بین عوامل اجتماعی و فرهنگی یعنی میزان شهرنشینی، وضعیت اشتغال زن و شوهر، تحصیلات شوهر، تحصیلات زن، سن ازدواج شوهر، حداکثر سن مناسب ازدواج دختر، تصمیم‌گیرنده اصلی ازدواج، شکل ازدواج، خاستگاه جغرافیایی زن، نگرش نسبت به ازدواج، نگرش نسبت به برابری جنسیتی و... با سن ازدواج زنان رابطه معناداری وجود دارد؟

ادبیات تحقیق

۱. اسلام و سن ازدواج

الف. سن ازدواج از منظر قرآن و روایات: در کلام خداوند، سن معینی برای ازدواج مطرح نشده است، ولی از واژگانی چون «بلوغ»، «بلوغ حُلْم»، «بلوغ نکاح» و «بلوغ اشد»، می‌توان به گونه‌ای سن بلوغ و سن ازدواج را به دست آورد. شاید رساترین آیه در رابطه با سن ازدواج این آیه شریفه می‌باشد: «وَأَبْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» (نساء: ۶)؛ یتیمان را آزمایش کنید تا هنگامی که بالغ شده و به نکاح تمایل پیدا کردند و آنان را به درک مصالح زندگانی خود آگاه یافتید، اموالشان را به آنان بدهید. شیخ طوسی در تفسیر آیه می‌نویسد: «معنای بلوغ نکاح آن است که به مرحله توانایی بر هم‌خوابگی و تولید نسل برسند» (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۱۶). در تفسیر مراعی آمده است: بلوغ نکاح، رسیدن به سنی است که استعداد و آمادگی ازدواج حاصل شود و آن بلوغ حلم است. نوجوان، در این حالت میل پیدا می‌کند همسر و سرپرست خانواده باشد (مراعی، بی‌تا، ص ۱۸۸).

معیار سن ازدواج از نظر قرآن، احساس نیاز به ازدواج، توانایی هم‌خوابگی، قدرت تولید نسل و رسیدن به حد رشد، یعنی توانایی بر تشخیص مصلحت خویش است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۲۱؛ همو، ج ۱۶، ص ۲۲۳؛ حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۰، ص ۶۱). از مجموع روایات نیز استنباط می‌شود که سن پایه برای ازدواج، بعد از بلوغ است. اگر شخص احساس نیاز کند که ترک آن موجب گناه شود، ازدواج در این سن واجب می‌گردد (حرعاملی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۳۰-۳۱؛ همو، ۱۳۹۳، ج ۱۴، ص ۷۰).
روایات در مورد تعیین زمان ازدواج، به دو دسته‌اند:

۱. در برخی روایات، به سن خاصی اشاره شده است. مانند این روایت از امام باقر^ع که فرمودند: دختر وقتی به سن نه سالگی می‌رسد، از یتیمی بیرون می‌آید و می‌تواند ازدواج کند و اموالش را می‌توان به او واگذار نمود (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۰-۳۱). در جای دیگر، امام باقر^ع فرموده است: «لا یدخل بالجارية حتی یأتی اما تسع سنین او عشرة سنین»؛ همبستر شدن و ازدواج با دختر قبل از نه یا ده سالگی، جایز نیست (همان، ص ۷۰).

۲. برخی روایات، بدون اشاره به سن خاصی، دختران را در آغاز جوانی به ازدواج ترغیب می‌کنند. در روایتی از امام صادق^ع آمده است: «من سعادة المرء ان لاتطمث ابنته فی بینه»؛ از سعادت مرد (پدر) آن است که دخترش، در خانه‌اش عده نشود (قبل از اینکه عادت زنانه ببیند، به خانه شوهر برود) (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۰، ص ۶۱). باید توجه داشت که همه این روایات، ناظر به تعیین سن ازدواج دختران است.

ب. سن ازدواج پسران بر اساس سیره معصومین^ع: شواهد تاریخی گواه است که امامان ما در سنین پیش از ۲۰ سالگی ازدواج می‌کردند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۵۳). امامان^ع در مورد فرزندان‌شان نیز همین شیوه را رعایت

می‌کردند و عموماً پیش از ۲۰ سالگی وسایل ازدواج‌شان را فراهم می‌کردند (عبدوس و محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۵، ص ۲۸-۲۹). امام سجاد^ع در سال ۳۸ق متولد شد (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۵۳). مورخان نوشته‌اند که امام باقر^ع در سال ۵۷ هجری متولد شد و در ماجرای کربلا، چهار ساله بود (پیشوایی، ۱۳۸۶، ص ۷۷). از این مطلب می‌فهمیم که امام سجاد^ع در حدود ۱۸ سالگی ازدواج کرده است. مقایسه تاریخ تولد امامان ما، با نخستین فرزندشان، نیز بیانگر این امر است که اکثر امامان ما، باید پیش از ۲۰ سالگی ازدواج کرده باشند. به‌عنوان مثال، مقایسه تاریخ تولد امام کاظم^ع با فرزندشان امام رضا^ع نشان می‌دهد که ایشان حدود ۱۹ سالگی ازدواج کرده‌اند. همین‌طور، مقایسه تاریخ تولد امام هادی^ع با فرزندشان امام حسن عسکری^ع، نیز بیانگر این امر است که ایشان نیز باید در حدود ۱۹ سالگی ازدواج کرده باشند. از آنجاکه عمل و سیره معصومان^ع برای ما الگو و حجت است، در تعیین سن مناسب ازدواج نیز باید به آن بزرگواران اقتدا کرد. سیره آن بزرگواران را به‌عنوان یک هنجار دینی در نظر گرفت. در این صورت، چه هنجار اجتماعی را ملاک قرار دهیم و چه هنجار دینی برگرفته از مجموعه آیات، روایات، سیره و عمل معصومان راه، در هر دو صورت، سن ازدواج در جامعه ما، افزایش چشمگیری را نشان می‌دهد (شجاعی، ۱۳۸۴).

۲. نظریه‌های جمعیت‌شناختی و جامعه‌شناختی پیرامون سن ازدواج

- نظریه مدرنیزاسیون (نوسازی): بنیان اصلی این نظریه، بر اساس تغییر در نهادهای اجتماعی در فرایند صنعتی شدن قرار دارد. با پیدایش مدرنیزاسیون، همه اشکال زندگی بشر دچار تحول گردید. ابتدا نرخ مرگ‌ومیر، به دلیل افزایش استانداردهای زندگی کاهش و اندکی بعد، نرخ موالید نیز تنزل یافت. بهداشت عمومی، سریعاً شروع به رشد کرد و خانواده‌ها از شکل گسترده، به سمت هسته‌ای شدن پیش رفتند. مدرنیزاسیون، سبب تغییرات سریع اقتصادی در شهرها و گسترش شهرنشینی شد. در واقع، نظریه مدرنیزاسیون تبدیل جوامع سنتی به صنعتی را تبیین می‌کند (ویکس، ۱۹۹۹، ص ۹۴). نظریه نوسازی بر این باور است که گذار جوامع از نظم سنتی، به نظم مدرن موجب تغییراتی در سطوح مختلف کلان، میانی و خرد و در بین تمامی گروه‌ها شده است. این تغییرات، به نوبه خود موجب دگرگونی در ارزش‌ها، انتظارات، خواسته‌ها و ... خواهند شد (رک: اینگلهارت، ۱۳۷۷). گود در خصوص ارتباط سن ازدواج و مدرنیزاسیون بیان می‌کند که نوسازی در سطح فردی و اجتماعی، بر زمان ازدواج تأثیر می‌گذارد. با توجه به این نظریه، عوامل مهمی چون گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییر در نیروی کار و تخصصی شدن فعالیت‌های شغلی، افزایش امکان اشتغال زنان در خارج از منزل و گسترش شهرنشینی، در افزایش سن اولین ازدواج مؤثرند. وی، همچنین معتقد است: افرادی که در مناطق شهری زندگی می‌کنند، به دلیل شیوه‌های زندگی متفاوت و نیز کنترل اجتماعی ضعیف‌تر نسبت به مناطق روستایی، ازدواج‌شان با تأخیر صورت می‌گیرد (گود، ۱۹۶۳، ص ۲۱۵-۲۳۰).

بهبود موقعیت زنان، به‌عنوان یکی از جنبه‌های نوسازی، تأثیر زیادی بر زمان ازدواج آنان دارد. گسترش و

همگانی شدن تحصیلات، یکی از رهاوردهای مهم نوسازی است. نوسازی، از طریق گسترش تحصیلات عمومی و فراهم کردن امکان حضور در فعالیتهای بیرون از خانه، موقعیت زنان را بهبود بخشیده است. موقعیت بهبود یافته زنان، با افزایش سن ازدواج، کاهش فاصله سنی بین زوجین، افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده و کاهش باروری همراه بوده است (کوئیسومبینگ و هالمن، ۲۰۰۳). برای نمونه، برای زنان با تحصیلات بالاتر، امکان حضور فعال در بخش‌های مختلف جامعه بیشتر می‌شود. در نتیجه، آنها برای خود موقعیتی مشابه مردان را طلب می‌کنند. تلاش برای دستیابی به این موقعیت و ایجاد امنیت کافی برای پایدار بودن آن در طول زندگی، هم زمان و هم فرایند تشکیل خانواده را دچار دگرگونی می‌کند (ر.ک: سگالن، ۱۳۸۰). افزایش سطح تحصیلات افراد، بسیاری از عوامل مهم مرتبط با ازدواج، نظیر انتظار از روابط زناشویی و ازدواج و نحوه انتخاب همسر را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نوسازی، با کاهش باروری و تغییر در ساختار سنی جمعیت، نسبت افراد جوان آماده برای فعالیت در جمعیت‌ها را افزایش می‌دهد. در این وضعیت، نسبت وابستگی جمعیت کاهش می‌یابد. فرصت مناسبی برای رشد اقتصادی فراهم می‌شود. اما رشد اقتصادی حاصل از این وضعیت، زمانی امکان‌پذیر است که ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه، بتواند این نیروی انسانی اضافی را به‌طور مناسب جذب کند. جذب نامناسب این نیرو، بیکاری و بسیاری از مشکلات مرتبط با آن را به وجود می‌آورد. این مشکلات، ممکن است خود وضعیت زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد و زمان ازدواج جوانان را به تعویق بیندازد. تغییر وضعیت مشاغل در جهت اهمیت یافتن بخش عمومی و مشاغل خارج از حوزه خانوادگی و شخصی، در کشورهای در حال توسعه، دستیابی به مشاغل دلخواه را مشکل کرده است. افزون بر این، دستیابی به این مشاغل، نیازمند آموزش‌های تخصصی است. بنابراین، جوانان برای دستیابی به نتایج اقتصادی سرمایه‌گذاری آموزشی، گریز از بیکاری و به علت ترس از تشکیل خانواده، ازدواج خود را به تعویق می‌اندازند (کوئیسومبینگ و هالمن، ۲۰۰۳). به‌طور کلی، دیدگاه نوسازی معتقد است: ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی افراد، نظیر میزان تحصیلات و اشتغال، وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه، عوامل فرهنگی نظیر نگرش به ازدواج و انتظارات از ازدواج و خانواده، میزان در دسترس بودن همسر مناسب و موقعیت زنان در جامعه، عوامل اصلی مؤثر بر زمان ازدواج به شمار می‌روند.

- دیدگاه اشاعه و نوآوری فرهنگی: بسیاری از جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان و جغرافی‌دانان فرهنگی، معتقدند: بخش زیادی از تغییرات فرهنگی، که در جوامع رخ می‌دهد، در نتیجه اشاعه و نوآوری فرهنگی می‌باشد. البته این قبیل نوآوری‌ها ممکن است تکنولوژیکی و یا نگرشی و رفتاری باشند. آن‌گونه که مشخص شده است، افزایش میانگین سن ازدواج در کشورهای اروپایی، با منشأ زبانی و قومی مشترک، تا حدود زیادی بر اثر اشاعه فرهنگی صورت گرفته است. از این‌رو، می‌توان گفت: افزایش میانگین سن ازدواج حتی در غیاب تغییرات ساختاری اساسی و توسعه اقتصادی، می‌تواند به یک جامعه تحمیل شود (ویکس، ۱۹۹۹، ص ۹۵).

- تئوری درآمد نسبی استرلین: این نظریه بیان می‌کند که هر چه سطح اقتصادی و تجاری یک فرد در دوران کودکی بالاتر باشد و کودک از رفاه و آسایش بیشتری برخوردار باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که سن ازدواج او پایین‌تر برود و در سنین پایین‌تری ازدواج کند. در این صورت، در جوامعی که مردم آن از رفاه و آسایش بیشتری برخوردارند، میزان عمومیت ازدواج بالا و میزان تجرد قطعی پایین می‌آید. در نتیجه، میزان مولید رشد یافته و منجر به افزایش جمعیت در آن جوامع می‌گردد (همان، ص ۱۰۰).

- تئوری انتخاب عقلانی: کالدول، در تئوری انتخاب عقلانی بیان می‌کند که رفتار انسان، در نتیجه محاسبه و تحلیل هزینه و سود آن رفتار است. انسان بر مبنای هزینه و سود حاصل، رفتار می‌کند. او در نهایت بیان می‌کند: رفتاری که مردم جامعه در مقابل عوامل و فشارهای اقتصادی و اجتماعی انجام می‌دهند، رفتاری است که بر مبنای منطق و تحلیل سود و هزینه استوار است. فقط در جوامع اولیه و سنتی، رفتار باروری بالا منطقی است؛ چون فرزندان برای خانواده‌ها سود خواهند داشت و در جوامع در حال گذار و پیشرفته، کاهش باروری و سازوکارهای کاهش باروری، از جمله افزایش سن ازدواج، رفتاری منطقی است؛ چون سبب رهایی از فشارهای اقتصادی و اجتماعی است. او همچنین در مورد نقش تحصیلات بیان می‌کند: تحصیلات نگرش‌های جدیدی به افراد می‌دهد و سبب رواج ایده‌های جدید می‌شود و سازوکارهای جدیدی را به وجود می‌آورد که موجب رفتار منطقی انسان می‌شود. حتی در برخی جوامع، تحصیلات، مهم‌تر از عوامل اقتصادی و سایر عوامل اجتماعی عمل می‌کند (مارشال، ۱۹۹۸، ص ۵۵۰). کالدول (۲۰۰۵) و منش و همکاران (۲۰۰۵)، تغییر مرکز ثقل فرایند تصمیم‌گیری و انتخاب همسر از والدین (ازدواج ترتیب داده شده)، به خود فرزندان (ازدواج خود انتخابی) را موجب افزایش سن ازدواج می‌دانند. در مجموع، نظریه‌های انتخاب عقلانی، نوعی نظریه هزینه - فایده است. هزینه - فرصت، به معنای فراغت یا هزینه‌ای است که در نتیجه صرف نظر کردن از انجام کاری، متوجه فرد می‌شود. بر اساس نظریه نئوکلاسیک‌ها، چون فرد کنشگر، همواره درصدد است تا منفعت خود را به حداکثر برساند، به دنبال این است تا حد ممکن، هزینه فرصت خود را به صفر برساند. یکی از مهم‌ترین این نظریه‌ها، که تبیین‌هایی در خصوص افزایش سن ازدواج ارائه داده، نظریه هزینه - فرصت فانچ می‌باشد. فانچ با ارائه نظریه اقتصادی ازدواج، از نقش تصمیم‌گیری فرد، در بازار ازدواج برای ازدواج کردن یا مجرد ماندن بر اساس منافع و هزینه‌های حاصل از این تصمیم، بحث می‌کند (فانچ، ۱۹۹۴).

موقعیت درآمدی مردان جوان و مدت زمانی که طول می‌کشد تا آنان به یک شغل پایدار برسند، بخصوص در جوامعی که نقش اقتصادی شوهر، به‌عنوان نان‌آور خانواده مهم می‌باشد، در تصمیم آنان به ازدواج و بنابراین، سن ازدواج هم مردان و هم زنان تأثیرگذار است. مردان جوان، تمایل دارند ازدواج‌شان را تا یافتن یک شغل مناسب، برای کسب توانایی اداره هزینه‌های ازدواج به تأخیر اندازند (اینپهایمر، ۱۹۸۸).

از آنجا که در تبیین رفتارهای ازدواج، باید مجموع عوامل نهادی که در شکل‌گیری رفتارهای ازدواج مؤثرند، مورد

توجه قرار گیرند. باید چارچوب تئوریکی را گسترش داد که امکان تبیین رفتار ازدواج را در شرایط مختلف اقتصادی-اجتماعی، فراهم کند. از آنجاکه کشور ایران، در دوره گذار و مرحله انتقالی توسعه یافتگی به سر می‌برد، سبک زندگی مردم جامعه ایران در حال تغییر می‌باشد. این پژوهش، بیشتر برای بررسی تغییرات ایجاد شده در سبک زندگی مردم و تأثیر آن بر نهاد خانواده، به ویژه ازدواج، که یکی از عناصر اصلی این نهاد است، صورت گرفته است. از این‌رو، نظریه مدرنیزاسیون، جنبه‌های گوناگونی از موضوع مورد بررسی ما و بسیاری از نظریات بیان شده در این رابطه را پوشش می‌دهد. بنابراین، در این مقاله نظریه مدرنیزاسیون، به‌عنوان چارچوب نظری برای تدوین فرضیات و مدل پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

از آنجاکه هر پدیده اجتماعی وابسته به گذشته بوده و در زنجیره‌ای از تداوم جای می‌گیرد، هویت آن بدون در نظر گرفتن گذشته‌ای که در آن تکوین و تبلور یافته به دست نخواهد آمد، همان‌گونه که شناخت درست، باید با توجه به تمامی شرایط فعلی پدیده صورت گیرد، گذشته تاریخی آن نیز باید مد نظر قرار گیرد. بدین‌سان، به درستی می‌توان گفت: هر تحقیق درست، متضمن شناخت تحقیقات پیشین است (ساروخانی، ۱۳۳۳، ص ۱۴۶). در رابطه با سن ازدواج، تحقیقات مختلفی در داخل و خارج از کشور، طی سال‌های گذشته انجام شده است. برخی از اینها عبارتند از: بررسی منصوریان (۱۳۷۶) درباره، افزایش متوسط سن ازدواج زنان در مناطق شهری و روستایی استان فارس، پس از پیروزی انقلاب، نشان داد سن ازدواج، رابطه مستقیمی با سطح تحصیلات زنان دارد و تأثیر آن، به مراتب قوی‌تر از سایر عوامل بوده است. پس از آن، عامل شهرنشینی، بیشترین اثرگذاری را بر سن ازدواج زنان داشته است. نتایج مطالعه مهدوی (۱۳۷۷)، درباره افزایش میزان و شدت مشکلات اقتصادی در ازدواج‌های جدید، در بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج در ایران، نشان می‌دهد که مشکلات اقتصادی و بهبود موقعیت زنان، نگرانی والدین افراد آماده ازدواج را بیشتر کرده است. این نگرانی، که معمولاً در قالب تأکید والدین دختر بر ادامه تحصیل برای تأمین وضعیت آتی و سخت‌گیری بیشتر در مورد ثبات وضعیت اقتصادی شوهر و مقدار مهریه نمایان می‌شود، موجب به تأخیر افتادن ازدواج می‌شود.

درودی‌آهی (۱۳۸۱) و جعفری مؤدھی (۱۳۸۲)، در مطالعات خود با نشان دادن فزونی تعداد زنان در مقایسه با مردان، در بین افراد آماده ازدواج، تأخیر در سن ازدواج زنان را نتیجه‌گیری کردند. محمودیان (۱۳۸۳)، در مطالعه سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان، به بررسی نتایج داده‌های طرح آمارگیری از خصوصیات اجتماعی-اقتصادی خانوار ایران، در سال ۱۳۸۰ می‌پردازد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ازدواج‌های جدیدتر، در سنین بالاتری اتفاق افتاده‌اند. میزان تحصیلات، به ویژه در مقاطع بالای تحصیلی، با افزایش سن ازدواج همبستگی داشته است. شهرنشینی، مشارکت زنان در نیروی کار، ازدواج‌های آزادتر، برابری بیشتر جنسیتی و نسبت خویشاوندی دورتر

زوجین، اثر مستقیمی بر سن ازدواج داشته‌اند. قومیت نیز در افزایش و یا کاهش سن ازدواج تأثیر داشته است. در تحلیل چندمتغیره نیز متغیرهای مدت ازدواج، میزان تحصیلات، محل سکونت، نسبت خویشاوندی با همسر و قومیت، اثر معنادار خود را حفظ کرده‌اند. رجبی (۱۳۸۶)، در نتایج مطالعه خود نشان می‌دهد بسیاری از دخترانی که مشغول به کار می‌شوند، رغبت خود را نسبت به ازدواج از دست می‌دهند. نادری بنی (۱۳۸۶)، در نتایج مطالعه خود بیان می‌کند که بین متغیرهای میزان درآمد شوهران، هزینه‌های اولیه زندگی، اشتغال زنان، تحصیلات زنان، تصمیم‌گیرنده نهایی ازدواج و سن اولین ازدواج، رابطه معناداری وجود دارد. نتایج مطالعه عباسی شوازی و خانی (۱۳۸۸)، نشان داد که سن ازدواج و گزینش آزادانه همسر، افزایش یافته و نسبت ازدواج خویشاوندی، با کاهش اندکی همراه بوده است.

حبیب‌پور گنابی و غفاری (۱۳۹۰)، در مطالعه خود به این نتایج رسیدند که نوسازی با ایجاد انتظاراتی برای استاندارد زندگی کافی برای پس از ازدواج، موجب تردید برای ازدواج و در نتیجه، تأخیر سن ازدواج می‌گردد. همچنین، دخترانی که دیرتر ازدواج می‌کنند، از تحصیلات بالاتری برخوردارند، نگرش فرامادی به ازدواج دارند و معتقدند که با ازدواج، هزینه فرصت‌های از دست رفته، بیش از فرصت‌های به دست آمده از ازدواج است. نتایج مطالعه ضرابی و مصطفوی (۱۳۹۰)، تأثیر مثبت سطح تحصیلات را بر سن ازدواج زنان، ثابت کرد. همچنین، متغیر شهری بودن در مقایسه با روستایی بودن، در مجموع تأثیر منفی را بر سن ازدواج زنان نشان داد. سن ازدواج، در میان خانوارهای طبقات بالاتر، پایین‌تر می‌باشد. در نهایت، سن ازدواج در میان دسته‌های سنی اخیر نسبت به گذشته، با روندی افزایشی روبه‌رو بوده است. نتایج مطالعه حسینی و گراوند (۱۳۹۲)، بیانگر این واقعیت است که ترکیبی از مشخصه‌های اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و عوامل و زمینه‌های قومی- فرهنگی، تبیین بهتری از شکاف در رفتار و نگرش زنان، نسبت به سن مناسب ازدواج، به دست می‌دهند.

پرستون و استرانگ (۱۹۸۶)، کارمایکل (۱۹۸۸)، در بررسی خود نشان دادند که تأخیر در سن ازدواج زنان، نتیجه فزونی تعداد زنان بر مردان می‌باشد. نگوین هو (۱۹۹۷)، در مطالعه الگوهای سن اولین ازدواج مردان و زنان ویتنام، به این مطلب اشاره می‌کند که از سال ۱۹۴۵، هنجارهای سنتی ازدواج، در اثر تغییرات اقتصادی و اجتماعی و آشفته‌گی وقایع سیاسی رو به ضعف نهاده، توسعه نظام آموزشی و افزایش سطح تحصیلات را عامل به وجود آمدن ایده‌ها و نگرش‌های جدید درباره ازدواج می‌داند. همچنین، اشتغال زنان در بخش‌های غیر کشاورزی و استقلال افراد از والدین‌شان، بر افزایش سن ازدواج آنان تأثیر داشته است. همچنین، این مسئله بر شیوه همسرگزینی آنها تأثیر داشته، تمایل بیشتر به انتخاب آزاد همسر آینده و اعتقاد به حقوق برابر بین زنان و مردان را در بین آنها ایجاد کرده است. علاوه بر این، شرایط سخت زندگی و مشکلات دستیابی به فرصت‌های شغلی در ویتنام، در سال‌های اخیر موجب تأخیر در ازدواج شده است.

مالهوترا و تسوی (۱۹۹۶)، مالهوترا (۱۹۹۷)، جنسن و تورتون (۲۰۰۳)، برای تبیین تفاوت در زمان تشکیل خانواده بین افراد، از مفهوم «نوسازی» استفاده کرده‌اند. براین اساس، در پژوهش‌های آنها، کاهش یا افزایش سن ازدواج، با درجات نوسازی مقایسه شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در جریان نوسازی، خانواده‌محوری به فردمحوری تبدیل می‌شود. فرایند نوسازی، با ترجیح خانواده هسته‌ای، فردمحوری (در مقابل خانواده‌محوری)، بهبود موقعیت زنان، گسترش تحصیلات عمومی، شهرنشینی و ازدواج‌های با انتخاب آزاد، تشکیل خانواده در سنین بالاتر را تشویق می‌کند. ولی آسان‌تر شدن تدارک زندگی مستقل در نوسازی کامل، همانند صنعتی شدن، می‌تواند کاهش سن ازدواج را به دنبال داشته باشد. علاوه‌براین، مالهوترا و تسوی (۱۹۹۶)، در مطالعه خود بیان می‌کنند که افزایش و دسترسی به امکانات رفاهی، معمولاً موجب ازدواج‌های دیررس می‌شود. همچنین، در کشورهایی که جایگزین‌های زندگی مشترک در دسترس و پذیرفته شده باشند، یا فعالیت جنسی خارج از ازدواج مورد پذیرش باشد، میزان شیوع ازدواج، پایین‌تر است.

گسترش و همگانی شدن تحصیلات، یکی از رهاوردهای مهم نوسازی است. تأثیر قدرتمند میزان تحصیلات بالا، بر افزایش سن ازدواج، به‌ویژه سن ازدواج زنان، در بسیاری از مطالعات مورد تأکید قرار گرفته است (اسمیت، ۱۹۸۰؛ کویسومبینگ و هالمن، ۲۰۰۳؛ جاشی، ۲۰۰۳؛ میترا، ۲۰۰۴؛ منس و همکاران، ۲۰۰۵؛ پنگ، ۲۰۰۶). رابطه بین میزان تحصیلات و افزایش سن ازدواج، در همه سطوح تحصیلی، به یک اندازه نیست؛ قوی‌تر شدن این رابطه، با افزایش سطوح تحصیلی، در بعضی تحقیقات نشان داده شده است (کویسومبینگ و هالمن، ۲۰۰۳؛ میترا، ۲۰۰۴). بر اساس یافته‌های مطالعه‌ی نیمه‌انگه (۲۰۰۶) در کنیا، سطح تحصیلات بالا، فرصت لازم برای به دست آوردن تحصیلات و همچنین، ارزش‌گذاری برای زنان، از مهم‌ترین عوامل افزایش سن ازدواج است. سن ازدواج، در این مناطق پایین است و محقق دلایل آن را خانه‌داری و عدم دسترسی به آموزش و کافی نبودن امکانات معیشتی می‌داند. اودلیا (۲۰۰۶)، در نتایج مطالعه خود بیان می‌کند که بالا رفتن میزان درآمد و تحصیلات زنان، موجب حمایت‌های اقتصادی و تأمین اجتماعی از زنان شده، افزایش سن ازدواج آنان را به دنبال داشته است. بنابراین، این دو عامل، جزء عوامل بسیار تأثیرگذار هستند. همچنین، پیشینه خانوادگی و وضعیت اجتماعی خانواده‌ها، پیش‌زمینه و یکی از شاخص‌های اصلی بالا رفتن سن ازدواج است. مطالعه‌ی بارلیند (۲۰۰۱)، نشان داد که سن ازدواج مردان و زنان در حال افزایش است. سن ازدواج زنان اکنون به بالاتر از ۲۴ سال افزایش یافته است. این افزایش، ناشی از فرصت‌ها و مشغله‌های زندگی صنعتی و تغییرات اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مرتبط با صنعتی شدن می‌باشد.

ایده‌ها و نگرش‌های فرهنگی نیز می‌توانند به‌طور مستقل، زمان ازدواج را تحت تأثیر قرار دهند. نتایج مطالعه‌ی مالهوترا (۱۹۹۷)، درباره‌ی ازدواج در سریلانکا و مطالعات آفاجانبان (۱۹۹۱)، تشکری و تامسون (۱۹۸۸)، درباره‌ی تأثیر وقوع انقلاب اسلامی بر ازدواج جوانان شاهد این مدعا می‌باشد.

روش پژوهش

جامعه آماری، تمامی زنان حداقل یکبار ازدواج کرده ۱۵ تا ۳۵ سال شهر مروست، از توابع شهرستان خاتم استان یزد که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، ۱۰۸۴ نفر می‌باشند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). حجم نمونه با محاسبه ۵٪ خطا، با استفاده از جدول لین، ۲۷۸ نفر به دست آمده بود که برای افزایش اعتبار داده‌ها، ۳۰۰ نفر مورد بررسی قرار گرفتند (لین، ۱۹۷۶، ص ۴۴۶). از نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای، برای به دست آوردن نمونه لازم استفاده شده است. در ابتدا فهرست حوزه‌های سرشماری، برای داشتن چارچوب نمونه‌گیری حوزه‌ها، از سازمان برنامه و بودجه استان یزد اخذ گردید. سپس، با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده، نمونه‌ای از حوزه‌ها، انتخاب شدند. سپس، با استفاده از نقشه‌های سرشماری، فهرست بلوک‌های هر حوزه منتخب را تهیه کرده، دوباره با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده (جدول اعداد تصادفی)، نمونه‌ای تصادفی از بلوک‌های هر حوزه انتخاب شدند. در مرحله بعد، با استفاده از نسبت نمونه‌گیری، خانوارهای هر بلوک، مشخص شده و از آن مصاحبه به عمل آمد.

پرسش‌نامه تحقیق، حاوی دو پرسش‌نامه محقق‌ساخته نگرش نسبت به ازدواج، نگرش به برابری جنسیتی و سؤالاتی درباره سایر متغیرها و ویژگی‌های زمینه‌ای افراد می‌باشد. نگرش نسبت به ازدواج، در قالب ۲۲ گویه طیف لیکرت که دربرگیرنده ارزش‌های مادی و فرامادی (معنوی) ازدواج و هزینه‌ها و فرصت‌هایی است که به واسطه ازدواج، برای فرد ایجاد می‌شود، تعریف شده است. متغیر نگرش به برابری جنسیتی، که به معنی باورها یا ایدئولوژی‌های جنسیتی، مربوط به تفاوت‌های پایه و زیست‌شناختی، در ماهیت مردان و زنان می‌باشد، در شش زمینه، شامل تحصیلات و آموزش، اشتغال، فعالیت‌های سیاسی، تصمیم‌گیری در امور ملی و محلی، داشتن پست‌های مدیریتی، انجام امور خانه و تربیت فرزندان، در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است. روایی پرسش‌نامه، با اعتبار صوری و محتوایی به دست آمده، پایایی پرسش‌نامه با پیش‌آزمون ۵۰ پاسخگو، مورد ارزیابی قرار گرفت. اعتبار متغیرهای نگرش، نسبت به ازدواج و برابری جنسیتی، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، بالای ۰/۷ به دست آمده و مورد تأیید قرار گرفت که در جدول ۱ آورده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها، با استفاده از نرم‌افزار SPSS 19 صورت گرفته و برای آزمون فرضیات، از آزمون‌های T ، $Anova$ و رگرسیون استفاده شده است. فرضیات این تحقیق عبارتند از: بین متغیرهای مستقل، وضعیت سن ازدواج شوهر، اشتغال زن، میزان تحصیلات زن و شوهر، درآمد زن و شوهر، میزان شهرنشینی، خاستگاه جغرافیایی زن، الگو (شکل) ازدواج، تصمیم‌گیرنده اصلی برای ازدواج، میزان برخورداری از وسایل رفاهی، نگرش نسبت به برابری جنسیتی، نگرش نسبت به ازدواج، مهم‌ترین اولویت انتخاب همسر، حداکثر سن مناسب ازدواج دختران و مهم‌ترین اولویت انتخاب همسر، با متغیر وابسته سن ازدواج زن رابطه معناداری وجود دارد.

بررسی عوامل تعیین کننده سن ازدواج در بین زنان ۱۵-۳۵ ساله متأهل شهر مروست ۱۳۹۰

جدول ۱. پایایی متغیرهای سنجیده شده با طیف لیکرت

ابعاد	تعداد نمونه	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
نگرش نسبت به ازدواج	۳۰۰	۲۲	۰/۷۸
نگرش نسبت به برابری جنسیتی	۳۰۰	۶	۰/۷۱

یافته‌های پژوهش

جدول ۲ نشان می‌دهد که ۸۱ درصد پاسخگویان بین ۲۰ تا ۲۹ سال سن داشته‌اند. سن ازدواج ۸۴ درصد زیر ۲۵ سال بوده است. سن ازدواج ۵۱/۷ درصد از شوهران، بالای ۲۵ سال می‌باشد. میانگین سن ازدواج پاسخگویان، ۲۱ سال و میانگین سن ازدواج شوهران‌شان، ۲۵ سال بوده است. ۵۷ درصد پاسخگویان، سن بین ۲۵ تا ۲۹ سال را حداکثر سن مناسب برای ازدواج دختران می‌دانند.

جدول ۲. توزیع پاسخگویان بر حسب سن ازدواج

متغیر	۳۰ سال و بالاتر				جمع کل
	۲۵-۲۹	۲۰-۲۴	۱۲-۱۹	۳۰ سال و بالاتر	
سن زن	۱۰۴	۱۳۹	۳۲	۲۵	۳۰۰
	۳۴/۷	۴۶/۳	۱۰/۷	۸/۳	۱۰۰
سن ازدواج زن	۴۴	۱۴۰	۱۱۳	۴	۳۰۰
	۱۴/۷	۴۶/۷	۳۷/۳	۱/۳	۱۰۰
سن ازدواج شوهر	۱۲۲	۱۳۸	۷	۳۳	۳۰۰
	۴۰/۷	۴۶	۲/۳	۱۱	۱۰۰
حداکثر سن مناسب ازدواج دختر	۱۷۱	۱۰۹	۲	۱۶	۳۰۰
	۵۷	۳۶/۳	۰/۷	۵/۳	۱۰۰

۷۸/۳ درصد پاسخگویان، فاقد درآمد و ۶/۶ درصد بالای یک میلیون تومان در ماه درآمد داشتند. ۵۴/۹ درصد شوهران نیز درآمد ماهانه‌ای بین ۱ تا ۲ میلیون تومان داشتند. بر اساس جدول ۳، ۸۲ درصد پاسخگویان خانه‌دار بوده، ۹۱ درصد از شوهران‌شان شاغل بودند. ۵۶/۷ پاسخگویان و شوهران‌شان، دارای تحصیلات متوسطه و دیپلم می‌باشند. ۶۲/۷ درصد از پاسخگویان، بیش از ۲۰ سال و ۱۳/۷ درصد کمتر از ۹ سال در شهر سکونت داشتند. ۵۲/۳ درصد پاسخگویان، همراه با پدر و مادر، و ۳۴/۷ درصد، به تنهایی تصمیم‌گیرنده اصلی ازدواج بوده‌اند. ۴۹ درصد پاسخگویان، با همشهری خود ازدواج کردند. بعد از این گروه، ۳۴ درصد ازدواج‌ها، با خویشاوندان صورت گرفته است. برای سنجش نگرش نسبت به ازدواج، یک شاخص ترکیبی با سه طبقه منفی، بینابین یا متوسط و مثبت ساخته شد. نگرش ۶۲ درصد پاسخگویان نسبت به ازدواج در حد متوسط، ۱۹ درصد منفی و بقیه مثبت بوده است. خاستگاه جغرافیایی ۶۸/۳ درصد پاسخگویان، شهر است. ۴۴/۷ درصد پاسخگویان از بین ۱۳ وسیله رفاهی بررسی شده در این تحقیق، ۱۰ وسیله و بیشتر را داشته‌اند. ۶۲ درصد پاسخگویان، نگرش بینابینی (نه مثبت و نه منفی)، به برابری زن و مرد در امور تحصیلی، اشتغال بیرون از منزل، کار خانه و فعالیت‌های اجتماعی دارند. ۴۴/۷ درصد پاسخگویان، مهم‌ترین معیار برای انتخاب

همسر را عشق و علاقه بیان کرده‌اند. بعد از این گروه، بالاترین درصد یعنی ۳۷/۳ درصد، داشتن اخلاق خوب و اصالت خانوادگی را مهم‌ترین ملاک انتخاب همسر خود دانسته‌اند. ۴۲/۷ درصد پاسخگویان، بهترین راه کسب استقلال را تحصیل و ۲۶ درصد، ازدواج، می‌دانند.

جدول ۳. توزیع پاسخگویان برحسب متغیرهای منتخب

متغیر		فراوانی	درصد	متغیر		فراوانی	درصد
تحصیلات زن	ابتدایی	۶	۲	ابتدایی	۲۵	۸۳	
	راهنمایی	۱۷	۵/۷	راهنمایی	۴۰	۱۲/۳	
	دیپلم و متوسطه	۱۷۰	۵۶/۷	دیپلم و متوسطه	۱۶۰	۵۲/۳	
	فوق دیپلم	۳۰	۱۰	فوق دیپلم	۳۲	۱۰/۷	
	لیسانس	۷۴	۲۴/۷	لیسانس	۳۸	۱۲/۷	
	فوق لیسانس و بالاتر	۳	۱	فوق لیسانس و بالاتر	۵	۱/۷	
وضعیت شغلی زن	خانه‌دار	۲۴۶	۸۲	بیکار	۲۷	۹	
	شاغل	۵۴	۱۸	شاغل	۲۷۳	۹۱	
درآمد زن	فاقد درآمد	۲۲۴	۷۸/۳	فاقد درآمد	۱	۰/۳	
	کمتر از ۱ میلیون	۴۳	۱۵/۰	کمتر از ۱ میلیون	۱۱۰	۳۷/۳	
	۱ تا ۲ میلیون	۱۹	۶/۶	۱ تا ۲ میلیون	۱۶۲	۵۴/۹	
	۲ تا ۳ میلیون	۰	۰	۲ تا ۳ میلیون	۱۴	۴/۷	
	۳ میلیون به بالا	۰	۰	۳ میلیون به بالا	۸	۲/۷	
میزان برخورداری از وسایل رفاهی	۲-۳	۸	۲/۷	خوشاوند	۱۰۲	۳۴	
	۴-۶	۳۲	۱۰/۷	همسایه	۲۵	۸/۳	
	۷-۹	۱۲۶	۴۲	همشهری	۱۴۷	۴۹	
	۱۰ و بالاتر	۱۳۴	۴۴/۷	از شهری دیگر	۲۶	۸/۷	
تصمیم‌گیرنده ازدواج	پدر و مادر	۳۹	۱۳	مثبت	۳۳	۱۷/۳	
	خودم	۱۰۴	۳۴/۷	بینابین یا متوسط	۲۲۱	۶۲	
	پدر و مادر و خودم	۱۵۷	۵۲/۳	منفی	۴۶	۱۹	
نگرش نسبت به برابری جنسیتی	مثبت	۵۲	۱۷/۳	زیاد	۴۷	۱۵/۷	
	بینابین یا متوسط	۱۸۶	۶۲	متوسط	۲۱۳	۷۱	
	منفی	۵۷	۱۹	کم	۴۰	۱۲/۳	
میزان شهرنشینی	۹ و کمتر	۴۱	۱۳/۷	داشتن شغل مناسب، درآمد کافی و مسکن	۴۰	۱۳/۳	
	۱۰-۱۹	۷۱	۲۳/۷	تحصیلات بالا	۱۱	۳/۷	
	۲۰-۲۵	۱۱۶	۳۸/۷	عشق و علاقه	۱۱۳۴	۴۴/۷	
	۲۶ سال و بالاتر	۷۲	۲۴	اخلاق خوب و اصالت خانوادگی	۱۱۲	۳۷/۳	
مهم‌ترین شیوه به دست آوردن استقلال	تحصیل	۱۲۸	۴۲/۷	شهر	۱۹۹	۶۶/۳	
	اشتغال	۸۹	۲۹/۷	روستا	۹۵	۳۱/۷	
	ازدواج	۷۸	۲۶	مرکز استان	۶	۲	

آزمون رابطه بین وضعیت شغلی پاسخگو و خاستگاه جغرافیایی زن با سن ازدواج، در جدول ۴ آمده است. مقدار معناداری آزمون لون برای بررسی همگنی واریانس‌ها نشان می‌دهد، بین واریانس نمرات دو گروه شاغل و بیکار، تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ وجود ندارد ($0/05 > 0/072$). ولی نتایج آزمون t، با فرض ناهمگن بودن واریانس‌ها نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین این دو متغیر، در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد ($0/01 < 0/000$). مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج، در بین پاسخگویان شاغل نسبت به پاسخگویان بیکار، بالاتر است. این تفاوت بر اساس نتایج آزمون t، معنادار و قابل توجه می‌باشد. همچنین، رابطه بین خاستگاه جغرافیایی زن و سن اولین ازدواج نشان می‌دهد که با فرض همگنی واریانس‌ها، بین واریانس نمرات زنان شهری و روستایی، تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ وجود ندارد. ولی نتایج آزمون t، با فرض ناهمگن بودن واریانس‌ها، نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین این دو متغیر در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج در بین پاسخگویان شهری، نسبت به پاسخگویان روستای، بالاتر است.

جدول ۴. آزمون تفاوت میانگین متغیرهای منتخب با سن ازدواج

میانگین		آزمون t				آزمون لون برای همگنی واریانس‌ها		متغیر مستقل
گروه ۱	گروه ۲	تفاوت میانگین‌ها	معناداری (دو دامنه)	درجه آزادی	t	F	معنادار ی	
شاغل	خانه‌دار	۳/۷۸	۰/۰۰۰	۲۹۸	-۸/۳۴۴	۳/۲۶۷	۰/۰۷۲	وضعیت شغلی زن
۲۴/۱۳	۲۰/۳۵	۳/۷۸	۰/۰۰۰	۶۸/۳۹۳	-۷/۲۰۵			
شهر	روستا	۱/۰۶	۰/۰۱	۲۹۸	۲/۵۸۱	۰/۰۰۶	۰/۹۳۸	خاستگاه جغرافیایی زن
۲۱/۲۷	۲۰/۳۱	۱/۰۶	۰/۰۱۳	۱۷۳/۱۳	۲/۵۲۱			

نتایج آزمون واریانس یک طرفه، بین شکل ازدواج و سن ازدواج پاسخگویان در جدول ۵ نشان می‌دهد. با توجه به مقدار $F=۳/۶۸۲$ و سطح معناداری ۰/۰۱۲، تفاوت معناداری در میانگین سن ازدواج بر حسب شکل ازدواج وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون، بین تصمیم‌گیرنده اصلی ازدواج و سن ازدواج پاسخگویان، بیانگر این است که با توجه به مقدار F و سطح معناداری ۰/۰۳۳، رابطه معناداری بین این دو متغیر، در سطح خطای ۰/۰۵ وجود دارد. نتایج آزمون، بین مهم‌ترین معیار انتخاب همسر و سن ازدواج پاسخگویان، نشان می‌دهد که با توجه به مقدار F و سطح معناداری ۰/۰۰۵، که کمتر از ۰/۰۱ است، رابطه معناداری بین این دو متغیر، در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون، بین مهم‌ترین اولویت کسب استقلال و سن ازدواج پاسخگویان، نیز بیانگر این است که با توجه به مقدار $F=۸/۲۶۱$ و سطح معناداری ۰/۰۰۰، رابطه معناداری بین این دو متغیر در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد.

جدول ۵. آزمون تحلیل واریانس برخی از متغیرهای منتخب با سن اولین ازدواج

سطح معناداری	F	میانگین مجزورات	مجموع مجزورات	انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی	متغیر	
۰/۰۱۲	۳/۶۸۲	۴۰/۰۵۶	۱۲۰/۱۶۹	۳/۱۱۳	۲۰/۴۲	۱۰۲	خویشاوند	شکل ازدواج
				۲/۶۹۷	۲۰/۳۴	۲۵	همسایه	
				۳/۴۶۷	۲۱/۳۳	۱۴۷	همشهری	
				۳/۵۳۵	۲۲/۴۶	۲۶	از شهری دیگر	
۰/۰۳۳	۳/۴۴	۳۷/۸۱۵	۷۵/۶۳۹	۳/۵۴۲	۲۰/۳۳	۳۹	خانواده	تصمیم‌گیرنده ه ازدواج
				۳/۵۰۱	۲۱/۶۹	۱۰۴	خودم	
				۳/۱۲۸	۲۰/۷۶	۱۵۷	خانواده و خودم	
۰/۰۰۵	۴/۳۰۶	۴۶/۶۲۲	۱۳۹/۸۶۶	۳/۴۶۲	۲۱/۷۵	۴۰	شغل، درآمد، مسکن	مهم‌ترین اولویت انتخاب همسر
				۳/۲۹۵	۲۰/۸۸	۱۳۴	عشق و علاقه	
				۳/۲۱۱	۲۰/۶۲	۱۱۲	اخلاق خوب و اصالت خانوادگی	
				۳/۴۰۶	۲۴	۱۱	تحصیلات بالا	
۰/۰۰۰	۸/۲۶۱	۸۸/۶۵۲	۱۷۷/۳۰۴	۳/۵۴۷	۲۱/۸۳	۱۲۸	تحصیل	مهم‌ترین اولویت استقلال
				۳/۳۱۸	۲۰/۷۵	۸۹	اشتغال	
				۲/۷۱۳	۱۹/۹۶	۷۸	ازدواج	

برای بررسی جزئیات مربوط به تفاوت میزان میانگین سن ازدواج، بر حسب شکل ازدواج پاسخگویان، از آزمون LSD استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون، در جدول ۶ بیانگر این است که اختلاف میانگین سن ازدواج پاسخگویانی که با همشهری خود ازدواج کرده‌اند، نسبت به کسانی که با خویشاوندان خود ازدواج کرده‌اند، معنادار و بالاتر می‌باشد. همچنین، اختلاف میانگین سن ازدواج زنانی که با مردانی از سایر شهرها ازدواج کرده‌اند، نسبت به زنانی که با همسایه و خویشاوندان خود ازدواج کرده‌اند، معنادار و بالاتر می‌باشد. نتایج آزمون LSD، برای بررسی تفاوت میانگین سن ازدواج بر حسب تصمیم‌گیرنده اصلی ازدواج پاسخگویان، نشان می‌دهد که اختلاف میانگین سن ازدواج پاسخگویانی که خود را تصمیم‌گیرنده اصلی ازدواج‌شان می‌دانند، نسبت به بقیه پاسخگویان، معنادار و بالاتر می‌باشد.

نتایج حاصل از آزمون LSD در این جدول، بیانگر این است که اختلاف میانگین سن ازدواج پاسخگویانی که مهم‌ترین معیار انتخاب همسر خود را داشتن تحصیلات بالا بیان کرده‌اند، نسبت به سایر پاسخگویان، معنادار و بالاتر می‌باشد. همچنین، بیشترین اختلاف میانگین سن ازدواج این پاسخگویان، با کسانی است که مهم‌ترین معیار انتخاب همسر خود را داشتن اخلاق خوب و اصالت خانوادگی می‌دانند. به عبارت دیگر، پاسخگویانی که داشتن اخلاق خوب و اصالت خانوادگی را به‌عنوان مهم‌ترین معیار انتخاب همسر خود ابراز داشته‌اند، نسبت به سایر پاسخگویان، از میانگین سن ازدواج پایین‌تری برخوردارند. نتایج آزمون LSD، بررسی تفاوت میانگین سن ازدواج،

برحسب مهم‌ترین معیار پاسخگویان برای کسب استقلال، نشان می‌دهد که اختلاف میانگین سن ازدواج پاسخگویانی که معتقدند: تحصیلات، بهترین راه کسب استقلال می‌باشد، نسبت به سایر پاسخگویان، معنادار و بالاتر می‌باشد. همچنین، بیشترین اختلاف میانگین سن ازدواج این پاسخگویان، با کسانی است که مهم‌ترین راه دستیابی به استقلال را ازدواج می‌دانند. به عبارت دیگر، پاسخگویانی که مهم‌ترین راه دستیابی به استقلال را ازدواج می‌دانند، پایین‌ترین میانگین سن ازدواج را نسبت به بقیه دارند.

جدول ۶. نتایج آزمون تعقیبی LSD متغیرهای دارای رابطه معنادار با سن ازدواج

نام متغیر	I	J	میانگین اختلاف (I-J)	خطای معیار	سطح معناداری
شکل ازدواج	همشهری	خوشاوند	۰/۹۱	۰/۴۲۵	۰/۰۳۳
		خوشاوند	۲/۰۴	۰/۷۲۵	۰/۰۰۵
	از سایر شهرها	همسایه	۲/۲۲	۰/۹۲۴	۰/۰۱۷
تصمیم‌گیرنده ازدواج	خودم	خانواده	۱/۳۶	۰/۶۲۳	۰/۰۳
		خانواده و خودم	۰/۹۳	۰/۴۱۹	۰/۰۲۸
مهم‌ترین اولویت انتخاب همسر	تحصیلات بالا	شغل، درآمد، مسکن	۲/۲۵	۱/۱۲	۰/۰۴۶
		عشق و علاقه	۳/۱۲	۱/۰۳۲	۰/۰۰۳
		اخلاق خوب و اصالت خانوادگی	۳/۳۸	۱/۰۴	۰/۰۰۱
		اشتغال ازدواج	۱/۰۸	۰/۴۵۲	۰/۰۱۸
مهم‌ترین اولویت استقلال	تحصیل	ازدواج	۱/۸۷	۰/۴۷۱	۰/۰۰۰

یافته‌های جدول ۷ نشان می‌دهد، با توجه به مقدار $T=5/386$ و سطح معناداری $0/000$ ، رابطه میان تحصیلات پاسخگویان و سن اولین ازدواج معنادار است. مقدار همبستگی پیرسون (R) تحصیلات، برابر $29/8$ درصد است که بیانگر میزان رابطه واقعی میان این دو متغیر می‌باشد. با مشاهده $R2$ ، در می‌یابیم که تحصیلات پاسخگویان $8/9$ درصد واریانس سن اولین ازدواج را در نمونه تبیین می‌کند. ضریب Beta، بیانگر رابطه مثبت مستقیم بین دو متغیر است، به طوری که با بالا رفتن تحصیلات، سن اولین ازدواج پاسخگویان نیز افزایش می‌یابد.

رابطه میان تحصیلات شوهر و سن اولین ازدواج زنان، با توجه به مقدار T و سطح آزمون $0/000$ ، معنادار است. مقدار Beta، برای رابطه مثبت مستقیم بین این دو متغیر را نشان می‌دهد که با بالا رفتن تحصیلات شوهر، سن اولین ازدواج زنان نیز افزایش می‌یابد. رابطه بین میزان درآمد ماهیانه پاسخگویان و شوهران‌شان، با سن اولین ازدواج، با توجه به مقدار T، سطح معناداری و Beta، معنادار، مثبت و مستقیم می‌باشد. نتایج آزمون رابطه بین سن ازدواج شوهر و سن اولین ازدواج زنان نیز نشان می‌دهد که با توجه به مقدار T و سطح معناداری، این رابطه معنادار، مثبت و مستقیم است. نتایج آزمون رابطه دو متغیر حداکثر سن مناسب ازدواج دختران، از نظر پاسخگویان و سن اولین ازدواج‌شان، بیانگر رابطه معنادار مستقیم بین این دو متغیر می‌باشد.

آزمون رابطه بین میزان برخورداری از وسایل رفاهی و سن اولین ازدواج، حاکی از وجود رابطه معنادار و

مستقیم می‌باشد. رابطه بین میزان شهرنشینی و سن اولین ازدواج زنان، با توجه به مقدار T و سطح معناداری آن، معنادار و مثبت و مستقیم است، به طوری که با افزایش میزان شهرنشینی پاسخگویان، سن اولین ازدواج آنها نیز افزایش می‌یابد. رابطه بین نگرش نسبت به برابری جنسیتی و سن اولین ازدواج زنان، با توجه به مقدار T و سطح معناداری ۰/۵۴، معنادار نمی‌باشد. بررسی رابطه بین نگرش پاسخگویان نسبت به ازدواج و سن اولین ازدواج آنان، با توجه به مقدار $T = -2/436$ و سطح معناداری ۰/۰۱۵، معنادار و جهت رابطه، با توجه به مقدار Beta به دست آمده منفی و معکوس است، به طوری که با افزایش نگرش مثبت به ازدواج، سن اولین ازدواج پاسخگویان کاهش می‌یابد.

جدول ۷. آزمون رابطه متغیرهای مستقل با سن ازدواج زنان

نام متغیر	R	R2	Adj.R2	خطای استاندارد	B	Beta	T	F	سطح معناداری
تحصیلات زن	۰/۳۹۸	۰/۰۸۹	۰/۰۸۶	۰/۰۴۱	۰/۳۸	۰/۳۹۸	۵/۳۸۶	۳۹/۰۱	۰/۰۰۰
تحصیلات شوهر	۰/۱۷۲	۰/۰۳	۰/۰۲۶	۰/۰۴۳	۰/۱۸	۰/۱۷۲	۳/۰۱۸	۹/۱۱۱	۰/۰۰۳
میزان درآمد زن	۰/۴۷۲	۰/۲۲۳	۰/۲۲	۰/۰۵۱	۰/۰۷۵	۰/۴۷۲	۹/۰۱۶	۸۱/۲۸۸	۰/۰۰۰
میزان درآمد شوهر	۰/۱۶۷	۰/۰۲۸	۰/۰۲۵	۰/۰۴۹	۰/۰۳۷	۰/۱۶۷	۲/۹۰۱	۸/۴۱۶	۰/۰۰۴
سن ازدواج شوهر	۰/۵۷۷	۰/۳۳۳	۰/۳۳۱	۰/۰۳۶	۰/۵۳۷	۰/۵۷۷	۱۲/۱۹۷	۱۴۸/۷۷۸	۰/۰۰۰
حداکثر سن مناسب ازدواج دختر	۰/۳۷۲	۰/۱۳۸	۰/۱۳۶	۰/۱۱	۰/۴۶۸	۰/۳۷۲	۶/۸۹۷	۴۷/۵۶۸	۰/۰۰۰
برخورداری از وسایل رفاهی	۰/۲۲۱	۰/۰۴۹	۰/۰۴۶	۰/۰۵۳	۰/۳۱۲	۰/۲۲۱	۳/۹۱	۱۵/۲۸۹	۰/۰۰۰
میزان شهرنشینی	۰/۴۷۴	۰/۲۲۵	۰/۲۲۲	۰/۰۳۴	۰/۲۰۹	۰/۴۷۴	۹/۲۸۶	۸۶/۲۲۲	۰/۰۰۰
نگرش نسبت به برابری جنسیتی	۰/۰۳۶	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۲	۰/۱۰۳	۰/۰۳۷	۰/۰۳۶	۰/۶۱۴	۰/۳۷۷	۰/۵۴
نگرش نسبت به ازدواج	۰/۱۴	۰/۰۲	۰/۰۱۶	۰/۰۱۹	-۰/۰۴۶	-۰/۱۴	-۲/۴۳۶	۵/۹۳۲	۰/۰۱۵

جدول ۸، بیانگر تحلیل چندمتغیره متغیرهای «مستقل»، برای پیش‌بینی متغیر «وابسته» می‌باشد. همه متغیرهای مستقل، در این مقاله وارد معادله رگرسیون چندمتغیره به روش گام به گام شدند، اما فقط ۷ متغیر در معادله باقی ماندند و به پیش‌بینی متغیر وابسته پرداختند. ضریب تعیین تعدیل شده (R^2)، در مرحله هفتم، نشان می‌دهد که در مجموع، متغیرهای سن ازدواج شوهر، میزان درآمد زن، میزان شهرنشینی، خاستگاه جغرافیایی زن، حداکثر سن ازدواج مناسب دختر، وضعیت شغلی زن و نگرش نسبت به ازدواج، توانسته‌اند ۶۷/۷ درصد از واریانس متغیر وابسته (سن اولین ازدواج پاسخگویان) را پیش‌بینی نمایند. در کل، ضریب تعیین به دست آمده نشان می‌دهد که مدل رگرسیونی، ما برای پیش‌بینی متغیر وابسته سن ازدواج، از پیش‌بینی خوبی برخوردار است. همچنین، بر اساس ضرایب Beta، متغیر میزان شهرنشینی، بیشترین تأثیر را در تبیین متغیر وابسته داشته است ($Beta = 0/642$). پس از آن، متغیرهای خاستگاه جغرافیایی زن و سن ازدواج شوهر، نسبت به سایر متغیرهای مستقل درون معادله، بیشترین نقش را در تبیین متغیر وابسته دارد.

بررسی عوامل تعیین‌کننده سن ازدواج در بین زنان ۱۵-۳۵ ساله متأهل شهر مروست ۱۳۵

جدول ۸. متغیرهای که در معادله رگرسیون به روش گام به گام باقی مانده‌اند

مرحله	متغیر مستقل	R	R2	B	Beta	T	SigT
اول	سن ازدواج شوهر	۰/۶۰۶	۰/۳۶۸	۰/۳۲۱	۰/۳۵۳	۹/۰۴۱	۰/۰۰۰
دوم	میزان درآمد زن	۰/۷۰۸	۰/۵۰۲	۰/۰۱۱	۰/۱۱۳	۲/۰۷۶	۰/۰۳۹
سوم	میزان شهرنشینی	۰/۷۴۱	۰/۵۴۹	۰/۲۸۳	۰/۶۴۲	۸/۷۸۱	۰/۰۰۰
چهارم	خاستگاه جغرافیایی زن	۰/۷۹۱	۰/۶۲۵	۰/۳۷۰۶	۰/۵۱	-۷/۵۸۷	۰/۰۰۰
پنجم	حداکثر سن مناسب ازدواج دختر	۰/۸۰۸	۰/۶۵۲	۰/۲۲۴	۰/۸۱	۴/۸۷۹	۰/۰۰۰
ششم	وضعیت شغلی زن	۰/۸۱۶	۰/۶۶۶	۱/۷۶	۰/۱۸۶	۳/۴۴۲	۰/۰۰۱
هفتم	نگرش نسبت به ازدواج	۰/۸۲۳	۰/۶۷۷	۰/۰۳۵	۰/۱۰۵	-۲/۹۴۶	۰/۰۰۴

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان می‌دهد که ۸۱ درصد از پاسخگویان، ۲۰ تا ۲۹ ساله بوده‌اند و ۸۴ درصد آنها، سن ازدواج‌شان زیر ۲۵ سال می‌باشد. میانگین سن ازدواج پاسخگویان، ۲۱ سال و برای شوهران‌شان، ۲۵ سال بوده است. ۵۷ درصد پاسخگویان، حداکثر سن مناسب برای ازدواج دختران راه سنین بین ۲۵ تا ۲۹ سال، می‌دانند. نگرش ۶۲ درصد به ازدواج، در حد متوسط و تنها ۱۷ درصد، نگرش مثبت به ازدواج داشته‌اند. ۶۲ درصد پاسخگویان، نگرش بینابینی، به برابری زن و مرد دارند. ۴۴/۷ درصد، عشق و علاقه و ۳۷/۳ درصد، داشتن اخلاق خوب و اصالت خانوادگی را مهم‌ترین ملاک انتخاب همسران‌شان دانسته‌اند.

نتایج آزمون رابطه بین وضعیت شغلی پاسخگو، با سن ازدواج‌شان می‌دهد که با فرض ناهمگن بودن واریانس‌ها، رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود دارد و میانگین سن ازدواج در بین شاغلان، نسبت به بیکاران، بالاتر می‌باشد که با نتایج تحقیقات محمودیان (۱۳۸۳) و نادری‌بنی (۱۳۸۶)، همخوانی دارد. رابطه بین خاستگاه جغرافیایی زن و سن ازدواج او، با فرض ناهمگن بودن واریانس‌ها معنادار می‌باشد و میانگین سن ازدواج پاسخگویان شهری از روستایی، بالاتر است که با نتایج تحقیق ضرابی و مصطفوی (۱۳۹۰)، منطبق است. همچنین، تفاوت میانگین سن ازدواج موجود در بین شکل‌های مختلف ازدواج، معنادار و زنانی که با مردانی از سایر شهرها ازدواج کرده‌اند، نسبت به سایر انواع ازدواج، میانگین سن ازدواج بالاتری داشته‌اند که با نتایج تحقیق محمودیان (۱۳۸۳)، همسو می‌باشد.

بین میانگین سن ازدواج گروه‌های مختلف، تصمیم‌گیرنده اصلی ازدواج پاسخگویان، اختلاف معناداری وجود دارد. پاسخگویانی که خود را تصمیم‌گیرنده اصلی ازدواج‌شان می‌دانند، نسبت به بقیه، سن ازدواج بالاتری داشته‌اند که با نتایج تحقیقات مالهوترا و تسوی (۱۹۹۶)، جنسن و تورتون (۲۰۰۳)، کالدول (۲۰۰۵)، منش و همکاران، (۲۰۰۵)، محمودیان (۱۳۸۳) و نادری‌بنی (۱۳۸۶)، همخوانی دارد. بین میانگین سن ازدواج پاسخگویان، با معیارهای انتخاب همسر مختلف، اختلاف معنادار وجود دارد؛ کسانی که داشتن اخلاق خوب و اصالت خانوادگی را به‌عنوان

مهم‌ترین معیار انتخاب همسر خود بیان کرده‌اند، نسبت به سایر پاسخگویان، میانگین سن ازدواج پایین‌تری داشته‌اند. پاسخگویانی که داشتن تحصیلات بالا را به‌عنوان مهم‌ترین معیار انتخاب همسرشان بیان کرده‌اند، بالاترین میانگین سن ازدواج را داشته‌اند. جوانانی که بر اساس معیارهای مورد تأکید در اسلام، نه معیارهای مادی، که مورد تأکید بینش مادی‌گرایانه غربی است، همسر خود را انتخاب کرده‌اند، در سنین پایین‌تری ازدواج کرده‌اند که تأکید اسلام نیز بر این نوع ازدواج، می‌باشد. تفاوت میانگین سن ازدواج در میان پاسخگویان، با راه‌های کسب استقلال مختلف، معنادار می‌باشد؛ پاسخگویانی که ازدواج را، مهم‌ترین راه کسب استقلال برای خود می‌دانند، پایین‌ترین میانگین سن ازدواج را نسبت به بقیه داشته‌اند و کسانی که معتقدند: تحصیلات، بهترین راه کسب استقلال می‌باشد، بالاترین میانگین سن ازدواج را داشته‌اند.

رابطه میان تحصیلات و سن اولین ازدواج، معنادار بوده است، به‌طوری‌که با بالا رفتن تحصیلات پاسخگویان، سن اولین ازدواج آنها نیز افزایش می‌یابد که با نتایج تحقیقات منصوریان (۱۳۷۶)، مهدوی (۱۳۷۷)، محمودیان (۱۳۸۳)، کاظمی‌پور (۱۳۸۳)، نادری‌بنی (۱۳۸۶)، حبیب‌پور گتایی و غفاری (۱۳۹۰)، ضرابی و مصطفوی (۱۳۹۰)، مالهوترا و تسوی (۱۹۹۶)، جنسن و تورنتون (۲۰۰۳)، اسمیت (۱۹۸۰)، کویسومبینگ و هالمن (۲۰۰۳)، جاشی (۲۰۰۳)، میترا (۲۰۰۴)، منس و همکاران (۲۰۰۵)، پنگ (۲۰۰۶)، زیگر (۱۳۷۷)، سگالن (۱۳۸۰)، اودالیا (۲۰۰۶)، نیامانگو (۲۰۰۶) و نگوین هو (۱۹۹۷)، همخوانی دارد. با افزایش میزان شهرنشینی پاسخگویان، سن اولین ازدواج آنها نیز افزایش می‌یابد که با نتایج تحقیقات منصوریان (۱۳۷۶)، محمودیان (۱۳۸۳)، کاظمی‌پور (۱۳۸۳)، مالهوترا و تسوی (۱۹۹۶)، جنسن و تورنتون (۲۰۰۳) و میترا (۲۰۰۴)، همخوانی دارد. بین میزان درآمد زنان و شوهران‌شان و سن ازدواج، رابطه مستقیم وجود دارد که با نتایج تحقیقات اودالیا (۲۰۰۶) و نادری‌بنی (۱۳۸۶)، همخوانی دارد. بین میزان برخورداری از امکانات رفاهی، قبل از ازدواج و سن ازدواج رابطه وجود دارد که با نتایج تحقیقات مالهوترا و تسوی (۱۹۹۶) و میترا (۲۰۰۴)، همخوانی دارد. رابطه بین نگرش نسبت به برابری جنسیتی و سن اولین ازدواج زنان، معنادار نمی‌باشد که با نتایج تحقیق محمودیان (۱۳۸۳)، همخوانی ندارد. رابطه نگرش پاسخگویان، نسبت به ازدواج و سن اولین ازدواج آنها، معنادار بوده است. به‌طوری‌که با افزایش نگرش مثبت به ازدواج، سن اولین ازدواج پاسخگویان کاهش می‌یابد که با نتایج تحقیق حبیب‌پور گتایی و غفاری (۱۳۹۰)، همخوانی دارد. بر اساس نتایج رگرسیون چندمتغیره در مجموع، متغیرهای سن ازدواج شوهر، میزان درآمد زن، میزان شهرنشینی، خاستگاه جغرافیایی زن، حداکثر سن ازدواج مناسب دختر، وضعیت شغلی زن و نگرش نسبت به ازدواج، توانسته‌اند ۶۷/۷ درصد از واریانس متغیر وابسته (سن اولین ازدواج پاسخگویان) را پیش‌بینی نمایند. با توجه به این نتایج، پیش‌بینی بالای متغیر میزان شهرنشینی و بعد از آن، خاستگاه جغرافیایی و سن ازدواج شوهر، برای پیش‌بینی سن اولین ازدواج، قابل توجه می‌باشد.

بر اساس نظریه نوسازی، زمان ازدواج و تشکیل خانواده، تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرد. توسعه و

نوسازی در دنیای جدید، با تغییر سریع و قابل توجه شرایط اقتصادی و اجتماعی افراد، تغییر در زمان ازدواج و تأخیر آن، به زمان دورتر را موجب شده است. فروپاشی نظام‌های خانوادگی گسترده، جایگزینی اقتصاد تجاری و صنعتی به جای اقتصاد کشاورزی سنتی، پیچیده‌تر شدن تقسیم کار اجتماعی، گسترش تحصیلات همگانی و مشارکت بیشتر زنان، در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خارج از خانه، عواملی هستند که در تأخیر ازدواج نقش دارند. نتایج این مقاله نیز نشان می‌دهد که میزان شهرنشینی بیشتر، تحصیلات بالاتر، نسبت غیرخویشاوندی با همسر و ازدواج‌های رمانتیک (که خود فرد تصمیم‌گیرنده اصلی ازدواج می‌باشد) زنان، رابطه مستقیمی با افزایش سن ازدواج آنها داشته است. بنابراین، افزایش سن ازدواج زنان، تا حدود زیادی تابع بهبود موقعیت اقتصادی و اجتماعی آنها است که در دیدگاه نوسازی، به آن تأکید شده است. گسترش تحصیلات عمومی، موجب مشارکت بیشتر زنان در امور بیرون از خانه و آگاهی از جایگاه خویش و تلاش برای بهبود آن، در جهت نیل به موقعیتی همانند مردان شده است. در نتیجه، ارزش‌ها و آرزوهای مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده در بین زنان، دچار دگرگونی شده‌اند. از نظر آنها، به تأخیر انداختن ازدواج برای دستیابی به موقعیت بالاتر، اقدام دوراندیشانه‌ای است، اقدامی که تشویق والدین و اطرافیان را نیز موجب می‌شود. علاوه بر این، موقعیت حاصل شده توسط زنان، به واسطه تحصیلات عالی و اشتغال، نیازمند تثبیت بوده و این مسئله زمانی امکان‌پذیر است که همسری مناسب و حافظ موقعیت اجتماعی آنها، به زندگی‌شان راه یابد. از آنجاکه یافتن چنین همسری، که بی‌شک باید دارای مدارج تحصیلی بالا و شغل مناسب باشد، ساده نیست، تأخیر مضاعف ازدواج را در پی خواهد داشت. این مطلب را در تأثیر زیاد سن ازدواج شوهران، بر سن ازدواج زنان، در نتایج به دست آمده از رگرسیون چندمتغیره نیز، شاهد هستیم.

پیشنهادات

از آنجاکه ازدواج در سنین پایین، می‌تواند به‌عنوان یک منبع آرامش‌بخش برای افراد و تضمینی برای داشتن جامعه‌ای سالم باشد، برای کاهش یافتن سن ازدواج، رو به رشد در جامعه کنونی ما پیشنهاد می‌شود:

الف. پژوهشی:

- با در نظر گرفتن اینکه، اکثر پژوهش‌های انجام شده در حوزه سن ازدواج، به شیوه‌های کمی صورت گرفته است. برای بررسی عمیق سن ازدواج و کشف عوامل تأثیرگذار بر آن که تاکنون آشکار نشده‌اند، پژوهش‌های بیشتری به صورت کیفی انجام شود.

- در مطالعات آینده، بیشتر به بررسی نقشی که خانواده‌ها و طرز فکر آنها نسبت به ازدواج، بر سن ازدواج جوانان می‌گذارد، پرداخته شود.

ب. عملی:

- با در نظر گرفتن نتایج حاصل از تحقیق، مبنی بر تأثیرگذاری زیاد سن ازدواج شوهران بر سن ازدواج زنان،

پیشنهاد می‌شود که با تشویق مردان به ازدواج، از طریق دادن امتیازات مختلف مانند اولویت دادن به اشتغال مردان متأهل، آزمون‌های استخدامی و قائل شدن امتیازات ویژه برای آنها، افزایش دادن قابل توجه میزان دستمزد و مزایای شغلی مردان با اختیار کردن تأهل، ارائه تسهیلات بانکی طولانی‌مدت و کم‌بهره و کمک هزینه‌های دولتی مناسب، به مردان برای فراهم کردن شرایط اولیه ازدواج، مانند حداقل مسکن و تجهیزات زندگی مناسب، زمینه افزایش تمایل به ازدواج در مردان را فراهم کنیم.

- از آنجا که تغییر نگرش افراد، کمک زیادی به تغییر رفتار آنان می‌کند. هر تغییری بدون داشتن زیرساخت‌های فکری محکم، دوام نخواهد داشت. بنابراین، پیشنهادهایی که در این راستا، به متصدیان امور فرهنگی مثل حوزه، دانشگاه، صدا و سیما، مطبوعات، هنر و مانند آن ارائه می‌کنیم که باید در رابطه با آنها، برنامه‌ریزی جدی داشته باشند، عبارت است از اینکه:

با آگاه‌سازی جوانان، بخصوص دختران نسبت به عواقب بالا رفتن سن ازدواج، بخصوص مشکلاتی که برای آنها از لحاظ فرزندآوری ایجاد می‌شود و اینکه با افزایش سن، کم‌کم از میزان تمایل مردان به ازدواج با آنها، کاسته می‌شود. این امر موجب می‌شود که تعداد زیادی از این دختران، نتوانند به همسر مناسبی دست پیدا کنند. در نتیجه، نتوانند تشکیل دادن خانواده برای خود و داشتن فرزند و مادر شدن را که از بالاترین موهبت‌های الهی برای یک زن می‌باشد را تجربه کنند، تمایل دختران را به ازدواج در سنین پایین‌تر افزایش دهند.

با افزایش جایگاه ارزشی تشکیل خانواده، در بین جوانان و اینکه زندگی سالم و متعالی، تنها با تشکیل خانواده امکان‌پذیر می‌باشد، بر نقش الگوی اسلامی تشکیل خانواده برای تأمین نیازهای جنسی و عاطفی در بین جوانان و پابندی آنها به خانواده، بیفزایند و نقش شیوه‌های جایگزین ازدواج را برای آنها کم‌رنگ سازند. در نتیجه، به کاهش مفاسد اخلاقی در جامعه نیز کمک کنند.

با ترویج ارزش‌های واقعی ایمان و اخلاق، که در فرهنگ دینی ما به‌عنوان مهم‌ترین ملاک برای انتخاب همسر معرفی شده‌اند، و کاهش ارزش ملاک‌هایی چون مدرک، ثروت، پست و مقام و به‌طور کلی، مظاهر مادی که در جامعه کنونی ما بیشترین اهمیت را دارند، سن ازدواج جوانان را کاهش دهند؛

با ایجاد اتاق‌های فکر و برنامه‌های مختلف، برای ایجاد تفکر ساده دوستی و تجمل‌گریزی در جامعه و نشان دادن نقش مثبت این تفکر، در افزایش آرامش و به دنبال آن، خوشبختی و رضایت افراد، از هزینه‌های اضافی ازدواج بکاهند و فرهنگ ازدواج آسان را در جامعه گسترش دهند.

منابع

- آستین فشان، پروانه، ۱۳۸۷، *بررسی روند تحولات میانگین سن ازدواج زنان و عوامل اجتماعی جمعیتی مؤثر بر آن طی سال‌های ۱۵-۱۳۷۵*، طرح پژوهشی گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی پژوهشکده آمار.
- اینگلهارت، رونالد، ۱۳۷۷، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، چ دوم، تهران، کویر.
- پیشوایی، مهدی، ۱۳۸۶، *سیمای پیشوایان در آیین تاریخ*، چ پنجم، قم، دارالعلم.
- جعفری مؤدبی، افشین، ۱۳۸۲، «عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران»، *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره اول، ش ۵، ص ۸۳-۱۰۴.
- حبیب‌پور گتایی، کرم و غلامرضا غفاری، ۱۳۹۰، «علل افزایش سن ازدواج دختران»، *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره نهم، ش ۱، ص ۷-۳۴.
- حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۱۶ق، *مسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیه السلام.
- حسینی، حاتم و مریم گراوند، ۱۳۹۲، «سنجش عوامل مؤثر بر شکاف رفتار و نگرش زنان به سن ازدواج در شهر کوهدهشت»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره یازدهم، ش ۱، ص ۱۰۱-۱۱۸.
- درودی آهی، ناهید، ۱۳۸۱، «عدم توازن نسبت‌های جنسی در سنین ازدواج»، *جمعیت*، سال سوم، ش ۴۱، ص ۱-۲۲.
- رجبی، عباس، ۱۳۸۶، «سن ازدواج؛ عوامل افزایش و راهبردهای کاهش آن»، *معرفت*، سال شانزدهم، ش ۱۱۲، ص ۱۴۳-۱۵۴.
- زیگر، جون، ۱۳۷۷، «افزایش میانگین سن ازدواج»، ترجمه زهره زاهدی، *نشریه زنان*، دوره هفتم، ش ۴۸، ص ۵۳-۵۴.
- زینهار، مریم، ۱۳۷۲، «ازدواج، خانواده و زندگی»، *بیام زن*، دوره دوم، ش ۲.
- ساروخانی، باقر، ۱۳۹۳، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سگالن، مارتین، ۱۳۸۰، *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*، ترجمه حمید الیاسی، چ سوم، تهران، سدهی.
- سیدمیرزایی، سیدمحمد، ۱۳۸۱، *جمعیت‌شناسی عمومی*، تهران، شهید بهشتی.
- شجاعی، محمصدق، ۱۳۸۴، «تحلیل روان‌شناختی افزایش سن ازدواج و نقش آن در انحرافات اخلاقی جوانان»، *معرفت*، ش ۹۷، ص ۴۶-۵۷.
- صدیق اورعی، غلامرضا، ۱۳۷۴، *جامعه‌شناسی و مسائل اجتماعی جوان*، مشهد، جهاد دانشگاهی.
- ضرابی، حمید و سیدفرخ مصطفوی، ۱۳۹۰، «بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران؛ یک رویکرد اقتصادی»، *پژوهش‌های اقتصادی*، سال یازدهم، ش ۴، ص ۳۳-۶۴.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *التبیین فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- عباسی شوازی، محمدجلال و سعید خانی، ۱۳۸۸، «الگوهای ازدواج، قومیت و مذهب: بررسی موردی زنان ازدواج کرده در شهر قروه»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ش ۸، ص ۶۷-۸۶.
- عبدوس، محمدتقی و محمد محمدی‌اشتهاردی، ۱۳۷۵، *فرازهای برجسته از سیره امامان شیعه*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- عسکری نوشن، عباس و همکاران، ۱۳۸۸، «مادران، دختران و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد)»، *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)*، دوره یازدهم، ش ۴۴، ص ۷-۳۶.
- غیائی ثانی، اعظم و سیدمحمد موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷، «سن ازدواج دختران در مبانی حقوق اسلامی»، *فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، ش ۴۸، ص ۹۱-۱۰۵.
- کاظمی پور، شهلا، ۱۳۸۳، «تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن»، *پژوهش زنان*، دوره دوم، ش ۳، ص ۱۰۳-۱۲۴.

- گود، ویلیام جی، ۱۳۵۲، *خانواده و جامعه*، ترجمه ویدا ناصحی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۳، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- مجلسی، محمداقبر، ۱۴۰۳ق، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- محمودیان، حسین، ۱۳۸۳، «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان»، *علوم اجتماعی دانشگاه سیستان و بلوچستان*، ش ۲۴، ص ۲۷-۵۳.
- مراغی، احمد مصطفی، بی تا، *تفسیر مراغی*، بیروت، دارالفکر.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵-۱۳۵۵، *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵-۱۳۵۵*، تهران، دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی.
- مفید، محمدبن محمد بن النعمان، ۱۴۱۳ق، *الارشاد*، قم، مؤسسه آل‌البیت ☞
- منصوریان، محمدکریم، ۱۳۷۶، «دگرگونی‌های سن ازدواج در بین زنان استان فارس»، *فرهنگ فارس*، سال سوم، ش ۱۱، ص ۳۰۲.
- مهدوی، محمدصادق، ۱۳۷۷، *بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- نادرینی، محسن، ۱۳۸۶، *بررسی رابطه عوامل خانوادگی و سن اولین ازدواج (مطالعه موردی افراد متأهل ۲۰-۴۰ ساله شاهر چادگان)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز، دانشگاه شیراز.
- Aghajanian, A, 1991, Women's role and recent marriage trends in Iran, *Canadian Studies in Population*, v. 18, n. 1, p. 17-28.
- Bariland, B, 2001, Marriage and divorce, *Journal of Asia-Pacific Population*, v. 2, n. 4, p. 53-72.
- Caldwell, Bruce K, 2005, Factors affecting female age at marriage in South Asia: Contrasts between Sri Lanka and Bangladesh, *Asian Population Studies, Routledge, part of the Taylor & Francis Group*, v. 1, n. 3, p. 283-301.
- Carmichael, G. A, 1988, With this ring: first marriage patterns, trends and prospects in Australia, Canberra, Australi: Australian National University and Australian Institute of Family Studies, p. 233-246.
- Fuchs, Victor R, 1994, Gary S. Becker: Ideas about facts, *The Journal of Economic Perspectives*, v. 18, n. 2.
- Good, William, 1963, *World revolution and family patterns*, New York, Free press, p. 215-230.
- Jensen, R, & Thornton, R, 2003, Early female marriage in the developing world, *Gender and Development*, v. 11, n. 2, p. 9-19.
- Joshi, N, 2003, *Correlates of female age at marriage*, in: two states: Uttaranchal and Uttar Pradesh. p. 22. [Available from]. <http://jhuccp.org> .
- Kumar, G. A, & Danabalan, M, 2006, Determinants of delayed first birth, *Indian Journal of Community Medicine*, v. 31, n. 4, p. 272-273.
- Lin, N, 1976, *Foundation of social research*, New York: Mc, Grawwhill. the Oryden press, p. 446.
- Malhotra, A, 1997, Gender and the timing of marriage timing: rural- urban differences in Java, *Journal of Marriage and the Family*, v. 59, n. 2, p. 434-450.
- Malhotra, A, & Tsui, A. O, 1996, Marriage timing in Sri Lanka: the role of modern norms and ideas, *Journal of Marriage and the Family*, v. 58, n. 2, p. 476-490.
- Marshall, Gordon, 1998, *Oxford dictionary of sociology*, Oxford: Oxford University press.
- Mensch, Barbara S, et al, 2005, *Trends in the Timing of First Marriage Among Men and Women in the Developing World*, The Population Council, Inc, New York.
- Mitra, Pushkar, 2004, Effect of socio- economic characteristics on age at marriage and total fertility in Nepal, *Journal of Health and Population*, v. 22, n. 1, p. 84-96.

- Ngu Yen Huu, Minh, 1997, Age at first marriage in Vietnam, *Journal of pattern and determinants Asia and Pacific*, v. 19, n. 2, p. 49-74.
- Nyamongo, Issac K, 2006, Factors influencing education and age at first marriage, *African Study Monographs*, v. 21, n. 2, p. 55-65.
- Odalia, M. H, wong, 2006, *Determinants of the age at first marriage*, Hong Kong: Kowloon Hong Kong Baptist University.
- Oppenheimer, V. K, 1988, A theory of marriage timing, *American Journal of Sociology*, n. 94, p. 563-591.
- Peng, Tey Nai, 2006, *Trends and Correlates of Delayed Marriage in Malaysia and Implications for Development*, International Conference on Population and Development in Asia: Critical Issues for a Sustainable Future, 20 ° 22 March.
- Preston, S. H, & Strong, M. A, 1986, *Effects of mortality declines on marriage patterns in developing countries. In United Nations (ed.), Consequences of mortality trends and differentials*, New York: United Nations, pp. 88-100.
- Quisumbing, A. R, Hallman, K, 2003, *Marriage in transition: evidence on age, education and assets from six developing countries*, New York: Population Council.
- Smith, p. c, 1980, Asian marriage patterns in transition, *Journal of Family History*, v. 5, n. 1, p. 58-96.
- Tashakkori, A, Thompson, V. D, 1988, Cultural change and attitude change: an assessment of post- revolutionary marriage and family attitudes in Iran, *Population Research and Policy Review*, v. 7, n. 1, p. 3-27.
- Torabi, F, et al, 2013, Marriage Postponement in Iran: Accounting for Socio-Economic and Cultural Change in Time and Space, *Population, Space and Place*, n. 19, p. 258-274.
- Weeks, J, 1999, *Population*, Santiago, State University.